

کاخ جوانان؛ از تأسیس تا انحلال

○ جواد کامور بخشایش

۱۱۹

تحولات سریع در هر بخشی از جامعه، دیگر بخشها را نیز به چالش می‌کشاند و در این میان نسل جوان به واسطه نیروی جوانی و استعدادهای برتر، سریع‌تر و راحت‌تر از دیگر بخشهای جامعه از تغییرات و دگرگونیها استقبال می‌کند. از این رو مسئله نسل جوان برای بسیاری از حکومتها و دولتها مسئله‌ای مهم و گاه پیچیده رخ می‌نماید که حل مشکلات آن بخش از جامعه - دشواریهای زیادی را برای حکومتگران به همراه داشته است. دوران پهلوی دوم نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. مسئله جوانان در هر دو دوره به پیچیده‌ترین شکلی رخ نمود و زمامداران وقت را به چالش کشید. آنان در پی یافتن راه‌حلی برای این معضل، ضمن سرپوش گذاشتن بر ناتوانیهای خود در برخورد با چنین دشواریهایی، پیچیدگی آن را ناشی از تحولات و دگرگونیهای نیم قرن پیش از دوره حکومت خود خوانده، آن را نه تنها مربوط به ایران بلکه به پنج قاره جهان نسبت می‌دادند.^۱

در نظر حکومتگران، مطالعه برنامه‌های دولتهایی چون امریکا، اروپا، کشورهای بلوک شرق و اسرائیل می‌توانست راهگشای مناسبی برای حل مسئله نسل جوان در ایران باشد؛ پس عده‌ای از سوی دولت به برخی کشورها سفر کردند تا با آگاهی از شیوه برخورد و نوع برنامه‌های آنان با جوانان، طرحی برای حل مشکلات جوانان ایران ارائه دهند. «مهدی نواب بوشهری»^۲ و «طاهره عرفان»^۳ و بعدها «عباس اخباری»^۴ از جمله افرادی بودند که برای ارائه چنین طرحی به امریکا و اسرائیل مسافرت کردند و طاهره عرفان نیز دوره رهبری جوانان را در امریکا و اسرائیل گذراند.^۵

در دوره‌ای که ایران به فکر حل مشکلات نسل جوان خود بود، در برخی از کشورهای دنیا خانه‌هایی به نام «خانه جوانان» برپا شده بود که در جذب جوانان و گذراندن اوقات فراغت آنان موفقیت‌هایی داشتند. این خانه‌ها که به آلمانی Jugend herberge و به انگلیسی Youth house و یا Youth hostel نامیده می‌شدند، در اروپا و آمریکا و برخی کشورهای آسیایی و افریقایی نیز تأسیس شده بود^۶ و بیشتر مورد استفاده جوانان مسافر و یا گروه‌های گردشگر قرار می‌گرفت. هدف این خانه‌ها فراهم آوردن امکانات مناسب برای مسافرت جوانان به کشورهای مختلف و آشنایی آنان با نقاط مختلف دنیا و نیز ایجاد زمینه مناسب برای گذراندن اوقات فراغت جوانان بود. در این خانه‌ها معمولاً سه زبان انگلیسی، فرانسه، آلمانی و نیز زبان کشور مربوطه آموزش داده می‌شد و امکاناتی چون سالنهای ورزشی، اتاقهای سرگرمی، کلاسهای آموزشی، سالنهای غذاخوری پیش‌بینی شده بود. تمامی خانه‌های جوانان کشورهای مختلف دنیا با هم مرتبط بود و مرکز آن در کینهاک قرار داشت. جوانان برای استفاده از تمامی این خانه‌ها در نقاط مختلف جهان به عضویت خانه جوان کشور خود در می‌آمدند و حق عضویت اندکی نیز پرداخت می‌کردند. کشورهای چون استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، مصر، انگلستان، ایرلند، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایسلند، هندوستان، فلسطین، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، مراکو، هلند، اسکاتلند، ونزوئلا، نروژ، پاکستان، لهستان، پرتغال، اسپانیا، سوئد، سوئیس، تونس، آمریکا، اوروگوئه و تایلند خانه جوانان داشتند.^۷

۱۲۰

به جز مؤسسات خانه جوانان، در بسیاری از کشورها سازمانها و تشکیلات متعددی در امور جوانان فعالیت می‌کردند. در آمریکا، انجمن و یا سازمان جوانان وابسته به Y.M.C.A - متعلق به جوانان مسیحی - بیشترین نقش را در جذب نسل جوان به عهده داشت. این انجمن و یا سازمان جوانان علاوه بر آمریکا شعباتی نیز در برخی از کشورها تأسیس کرده بود. برنامه‌های این انجمن در دو جنبه آموزشی و تفریحی و برای دو مقطع و دو سطح اجرا می‌شد: کسانی که دوره آخر دبیرستان را می‌گذراندند و کسانی که دوره تحصیلات بالاتری را طی می‌کردند. در دل این انجمن، کمیته‌های مختلفی با وظایفی مشخص و معین فعالیت می‌کردند. کمیته مدیران شعب، کمیته اداری، کمیته ارتباطات و خدمات جهانی، کمیته روابط بین‌المللی از آن جمله بود. به عنوان مثال، کمیته ارتباطات جهانی با سازمانهای جوانان در تمام کشورها در تماس بود و کلیه نشریات و برنامه‌های آنان را دریافت و یا برای آنان ارسال می‌کرد.^۸

به نظر می‌رسد طرحی که در اواسط دهه ۴۰ برای جذب جوانان در ایران پیاده شد اقتباسی از برنامه سازمانها، انجمنها و مؤسساتی بود که در کشورهای مختلف بویژه آمریکا و اسرائیل در امور جوانان فعالیت داشتند.

برخی اسناد بر جای مانده نشان می‌دهد که عباس اخباری - از مرتبطین «مثیر عزری» (نماینده اسرائیل در ایران) - بارها برای بررسی وضع جوانان در اسرائیل و نحوه فعالیت مؤسسات و مراکز مربوط به امور جوانان به آن کشور رفت تا با اقتباس طرحی به عنوان الگو برای رهبری نسل جوان در ایران اقدام نماید.^۹ اگرچه سالها پیش از آن یعنی در دوران پس از جنگ جهانی دوم، در فرانسه مراکزی با نام کاخ جوانان با هدف اولیه مبارزه با فاشیست و تربیت نسل جوان ایجاد شده بود که به نظر می‌رسد طراحان کاخ جوانان در ایران، نیم‌نگاهی نیز به ساختار و نوع فعالیت‌های کاخ جوانان فرانسه داشته‌اند. در این میان نوع فعالیت کشورهای بلوک شرق و نحوه برخورد آنان با مسئله جوانان نیز در تأسیس کاخ جوانان ایران بی‌تأثیر نبوده است.^{۱۰}

با این حال در دوره نخست‌وزیری علی‌امینی در ۱۳۴۰ سازمانی به نام «سازمان رهبری جوانان» تأسیس شده بود که در واقع نخستین تشکل مربوط به جوانان به شمار می‌رفت و در زمینه‌های مختلفی چون ورزش، سخن‌رانی، تئاتر، موسیقی و البته به جز مسائل سیاسی، به مدت چهار سال فعالیت کرد و به دلیل عدم استقبال مناسب از سوی جوانان به باشگاهی ورزشی تبدیل گردید.^{۱۱} لازم است پیش از پرداختن به ساختار و نحوه فعالیت‌های کاخ جوانان، اشاره‌ای به مشی و منش فرهنگی رژیم پهلوی بشود. به طور کلی، در دوره پهلوی اول و دوم حرکت به سمت غرب و غرب‌گرایی با سرعت خیره‌کننده‌ای ادامه یافت. غرب‌گرایی، نه تنها دادن به دانش‌های جدید غربی، بلکه ستایش از الگوهای فرهنگی مغرب زمین بویژه مصرف‌گرایی از جمله خصایص و ویژگی‌های حکومت پهلوی بوده است. رویکردهای فرهنگی محمدرضا پهلوی را در ۳۷ سال حکومتش می‌توان در مذهب‌ستیزی، باستان‌گرایی و غرب‌گرایی خلاصه کرد. محمدرضا پهلوی ظاهراً کوشید از خود چهره‌ای مورد احترام ارائه دهد و در جهت دستیابی به مشروعیت و تأکید بر مذهب‌گرایی اقداماتی نیز انجام می‌داد.^{۱۲} اما بررسی اقدامات محمدرضا پهلوی در حوزه دین و مذهب می‌رساند که او با انجام اقدامات ضد‌مذهبی، نه تنها برای تطبیق برنامه خود با نظام دینی تلاش نمی‌کرد بلکه روز به روز از آموزه‌های اسلام نیز فاصله می‌گرفت. گسترش فساد و فحشا و منکرات، نمایش فیلم‌های مبتذل در سینما و تلویزیون، عدم اجرای احکام اجتماعی اسلام، ممانعت از برگزاری مراسم مذهبی، تبلیغ ایدئولوژی ایران باستان، برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله، طرح لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انقلاب سفید، حضور رسمی اعضای حزب بهائیت در مناصب اجتماعی، خشونت علیه روحانیان از جمله اقدامات ضد‌دینی محمدرضا پهلوی به شمار می‌رود که با شعار مذهب‌گرایی او منافات دارد.^{۱۳}

در رویکرد باستان‌گرایی محمدرضا پهلوی نیز دو مؤلفه محوری آشکار به چشم می‌خورد: ایرانی‌گری و شاه‌پرستی. تغییر تقویم تاریخ از شمسی به شاهنشاهی و برپایی جشنهای ۲۵۰۰

ساله. در رویکرد پهلوی دوم به باستان‌گرایی می‌توان سه عامل را دخیل دانست: ۱. تضعیف مذهب به عنوان مانع نوسازی و اصلاحات مورد نظر شاه ۲. حل بحران هویت ناشی از فرایند نوسازی ۳. حل بحران مشروعیت. شاه می‌کوشید برای سلطنت خود پشتوانه محکم فلسفی، تاریخی و فرهنگی دست و پا کند تا بحران مشروعیتش را حل کند.

محمد رضا پهلوی الگوی فرهنگی غرب را محور برنامه‌ها و سیاستهای خود قرار داده در ساختن و اداره ایران به دنبال الگوی غربی بود. محمد رضا پهلوی در توسعه فرهنگ و دانشگاههای کشور نیز از الگوی فرهنگی غرب (امریکا و انگلیس) پیروی می‌کرد و می‌کوشید رفتار و مسیر حرکت دانشگاهها و فرهنگ را بر اساس آنچه که در غرب روی می‌داد هماهنگ سازد. اساساً روح حاکم بر پروژه تجدید عصر پهلوی ایجاد جامعه‌ای شبیه جوامع غربی بود و شاه در این زمینه از تمامی اقدامات غرب نسخه‌برداری شتابزده‌ای می‌کرد و آشکارا مردم را در به کارگیری از الگوهای زندگی به سبک غرب ترغیب می‌کرد. او که به سرعت به سوی تمدن غرب در حرکت بود سعی داشت حرکت خود را با فرهنگ باستانی ایران پیوند بزند و نشان دهد که در حال تلاش برای اعاده عظمت ایران زمان هخامنشی است. اما واقعیت آن است که هر چه نیاز رژیم به غرب بیشتر می‌شد رویکردش به حفظ الگوی فرهنگ غربی نیز افزایش می‌یافت.^{۱۴}

در نتیجه نبود استقلال در ذات حاکمیت، رژیم پهلوی از نگاه به درون باز ماند و معطوف به دیگران و دست‌آوردهایشان شد.

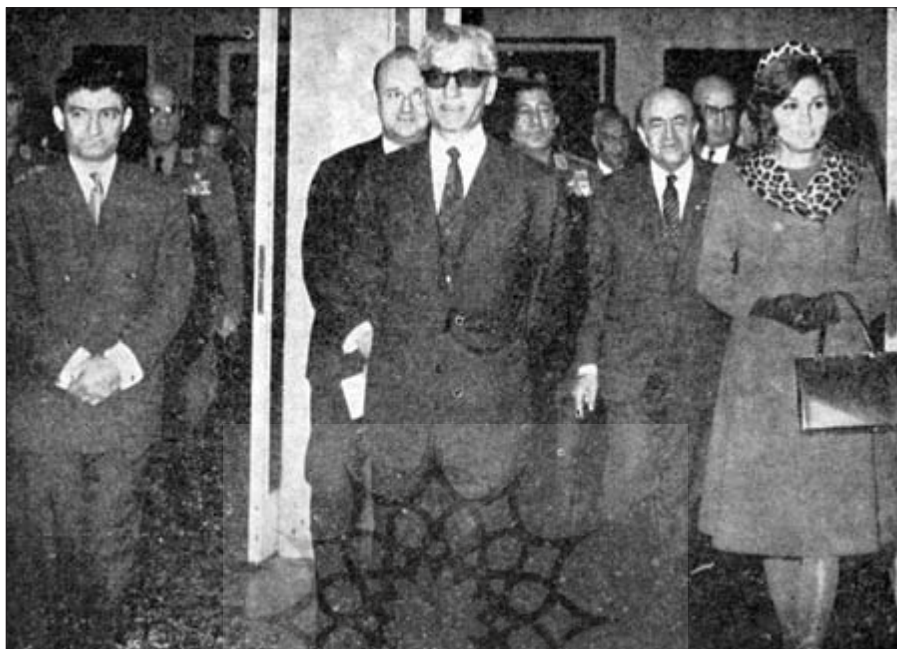
کاخ جوانان در دوره پهلوی در پی ناکارآمدی نظام آموزشی حاکم شکل گرفت و قرار شد این خلأ آموزشی با تأسیس کاخ جوانان پر شود. فرح پهلوی که به نوعی مجری برنامه‌های فرهنگی غرب در ایران بود با هدف تثبیت حکومت چند اقدام فرهنگی انجام داد؛ جذب روشنفکران - که البته بیشتر عناصر چپ دور او حلقه زدند - گسترش رادیو و تلویزیون، ایجاد موزه هنرهای معاصر، فرهنگ‌سرای نیاوران و تأسیس کاخ جوانان. فرح و هم‌فکرانش بر آن بودند تا در کنار هر شعبه از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان یک کاخ ایجاد شود تا کودکان و نوجوانان بلافاصله پس از گذر از مرحله کانون وارد کاخ شوند و برنامه‌ها و سیاستهای پیاده شده در کاخ را خط‌مشی خود قرار دهند. سیاستهای مزبور بر پایه ثبات و تداوم حاکمیت استوار بود. چه بسا «لیلی امیراجمند» مشاور فرح و رئیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که اغلب با عناصر چپ در ارتباط بود، طراحی پروژه‌های فرهنگی دوره پهلوی دوم بویژه از اواسط دهه ۱۳۴۰ به بعد را بیشتر به دست نیروها و عناصر چپ بی‌خطر می‌سپرد و آنان نیز می‌کوشیدند در پوشش طرحها و پروژه‌های فرهنگی سیاستها، خط‌مشی و ذهنیات خود را بویژه به جوانان القاء کنند و جوانان را آن‌گونه که خود می‌خواهند، پرورش دهند.

دیگر آنکه در دوره ایجاد کاخ جوانان، اغلب دانشگاهها و دانشجویان کشور سیاسی بودند و گروههای مذهبی و غیرمذهبی در دانشگاهها فعالیت می‌کردند. دست‌اندرکاران حکومت که در جذب دانشجویان به خود ناموفق بودند سعی می‌کردند با ایجاد فضاهای متفاوت برای جوانان، از تمایل آنان به سمت سیاست جلوگیری کنند. اما گذشت زمان نشان داد که بسیاری از جوانان عضو کاخ به جرگه سیاسیون مخالف رژیم پیوستند و کاخ را پوششی برای فعالیت‌های سیاسی خود قرار دادند. از این رو عضویت در کاخ به معنی هم‌سوئی با اهداف موردنظر رژیم به شمار نمی‌رفت.^{۱۵} به هر روی، در طول دوازده سال فعالیت مستمر، این کانون به پانزده شعبه در سراسر کشور گسترش یافت و در جذب و جلب جوانان نقش ایفا کرد. غلامرضا نیک پی^{۱۶} که در تأسیس کاخهای جوانان مؤثر بود و یازده سال بر کاخها ریاست کرد در سخن‌رانیهای خود پیرامون کاخهای جوانان می‌گفت: «همگام با تحول عظیمی که در کشور جریان دارد نسل جوان باید سهم بزرگی را به عهده بگیرد؛ در این راه کاخ جوانان وظیفه خطیری را از لحاظ سازندگی مردان و زنان آینده کشور عهده‌دار خواهد بود.»^{۱۷}

افتتاح اولین شعبه کاخ جوانان

با تمهید مقدماتی و نیز پس از به پایان رسیدن کار ساختمانی، اولین شعبه کاخ جوانان در جاده شمیران، بالاتر از سه راه ضرابخانه، در شب ۴ آبان ۱۳۴۵ به دست محمدرضا پهلوی افتتاح گردید. اولین قدم در بهره‌برداری از کاخ اعلام موجودیت آن در قالب شخصیت حقوقی بود؛ پس اساس‌نامه‌ای بدین منظور تهیه شد و به ثبت رسید و هیئت مدیره‌ای از سوی امیرعباس هویدا - نخست‌وزیر وقت - انتخاب و مشغول به کار شد. اعضای هیئت مدیره انتخابی غلامرضا نیک‌پی، «فتح‌الله ستوده»^{۱۸}، «احمد کاشفی»^{۱۹}، «منوچهر پیروز»^{۲۰}، «محمدرضا گودرزی»، «پروین ثابتی»^{۲۱} و «نردین امیرطهماسب»^{۲۲} بودند.

با آنکه هوشیارانه تلاش می‌شد تشکیلات کاخ جوانان از وابستگی رسمی به حکومت بری دانسته شود اما از همان ابتدا، بسیاری از دانشجویان معتقد بودند که چند نفر از مسئولان کاخ از مأموران پلیس امنیتی هستند. چرا که اولاً ساختمان کاخ مرکزی در محل سابق باشگاه سازمان امنیت ساخته شد؛ دوم آنکه وقتی موضوع حضور مأموران پلیس امنیتی در کاخ جوانان در افواه عمومی پیچید قویاً از سوی هویدا - نخست‌وزیر وقت - تکذیب گردید. جیمز بیل احتمال داده است که شماری از مأموران امنیتی ایران در کاخ جوانان حضور داشته‌اند، چرا که این کاخ نسخه‌ای از سازمان هدایت جوانان بود که اداره‌کنندگان آن عموماً از میان همان مأموران انتخاب شده بودند.^{۲۳} دانشجویی از طبقه متوسطه ضمن تأیید حضور عوامل امنیتی در کاخ، آنجا را



مراسم افتتاح نخستین شعبه کاخ جوانان. از سمت چپ: نیک‌پی، هوشنگ نهاوندی، محمدرضا پهلوی، امیرعباس هویدا، شریف امامی، فرح دیبا.

چنین توصیف کرده است: «بهشتی زیبا در برهوت که آکنده از مأموران حکومتی است و ما را به داخل خود دعوت می‌کند».^{۲۴}

جیمز بیل معتقد است که در دوران آغاز فعالیت کاخ جوانان، چند صد دانشجو در استخدام سازمان امنیت بودند و آنها همان «حرفه‌ای‌هایی بودند که پیاپی در سازمانهای جوانان تحت حمایت دولت حضور می‌یافتند و عده‌ای از آنها با افتتاح کاخهای جوانان برای اجرای مأموریت به مراکز کاخ اعزام می‌شدند. به اعتقاد بیل، برخورد رژیم پهلوی با دانشجویان ایرانی برخوردی دوگانه بود. از یک سو، دانشگاهها عرصه حکومت و ورود و نفوذ سازمانهای امنیتی کشور شده، موضع سخت‌گیرانه‌ای در قبال دانشجویان اتخاذ می‌گردید و از سوی دیگر، با احداث و ایجاد کاخ جوانان و در اختیار گذاردن امکانات رفاهی سعی می‌شد جوانان به سوی حکومت جذب شوند. با این شیوه فریب و ارباب چه بسا کاخ جوانان به محلی برای تخلیه روحی جوانان از فشارهای روحی - روانی وارده از سوی حکومت تبدیل شده بود و همه این اقدامات با هدف مهار کردن دانشجویان در راستای سیاست بیگانه‌سازی آنان صورت می‌گرفت.^{۲۵}



مراسم افتتاح نخستین شعبه کاخ جوانان

اساس نامه کاخ

اساس نامه کاخ جوانان در ۲۶ ماده و چهارده تبصره در نخستین جلسه مجمع عمومی کاخ به تاریخ ۱۵ مهر ۱۳۴۶ تصویب شد.^{۲۶} بخشی از اساس نامه کاخ جوانان بدین شرح است:

هدف: ماده ۱- به منظور ایجاد محیط مناسب برای پرورش ذوق و استعداد و نیروی فکری جوانان کشور کاخ جوانان تأسیس می شود.

مرکز و شعب: ماده ۲- کاخ جوانان دارای شخصیت حقوقی است. مرکز آن در تهران و مدت آن نامحدود است.

عضویت: ماده ۳- کلیه جوانان کشور حق استفاده از امکانات کاخ را با رعایت شرایط زیر دارا می باشند ولی عضویت آنان طبق ماده بعد خواهد بود. الف - سن بیش از ۳۰ سال تمام و کمتر از ۲۰ سال نباشد. ب - تحصیلات بیش از دیپلم دبیرستان. با پرداخت ماهیانه پنجاه ریال، کارت ورودی برای اعضا صادر می شود.

کاخ جوانان از ابتدای تأسیس سه هدف اساسی را در پیش گرفت: ۱- استفاده از اعضا برای اداره

امور کاخ در زمینه‌های ستادی و اجرایی. ۲- آشنا کردن جوانان با وظایف اجتماعی و پیشرفت‌های مملکتی. ۳- تهیه و تدارک فعالیتهای تفریحی برای جوانان.

مسئولان و دست‌اندرکاران کاخ جوانان در تبلیغات خود برای جذب جوانان به کاخها اعلام کردند که بی‌توجهی و سهل‌انگاری به خواسته‌های جوانان، عاملی مهم در سرگردانی و هیج و پوچ خواندن خواسته‌های آنان است و توجه به این خواسته‌ها باید مستمر و مداوم ادامه یابد. کاخ جوانان با خصوصیات گوناگونی که دارد به خوبی می‌تواند به این خواسته‌ها و نظریات جوانان توجه کند. جوانان با هر نوع ذوق و علاقه و خصوصیات فکری می‌توانند در یکی از گروههای کاخ جوانان به فعالیت بپردازند. در نظر آنان، ایجاد تحرک و پرورش ذوق و تشویق جوانها می‌توانست پایان‌بخش اغلب مشکلات و مسائل گریبانگیر جوانان باشد، پس ایجاد کاخ جوانان نه تنها جوانان را از سرگردانی و پوچی و هیپی‌گری و مهاجرت می‌رهاند بلکه خود عاملی مهم و اساسی در پرورش و تربیت ذوق و استعدادهاى شگرف جوانان می‌بود.^{۳۷}

اما چرا فقط جوانان بین بیست تا سی سال می‌توانستند به عضویت کاخ جوانان درآمده فعالیت کنند؟ چون در این دوره سنی، نخستین رتبه‌های بلوغ فکری و ذهنی انسان طی می‌شود و جوان دارای سریعترین واکنشهای عاطفی و احساسی است، نیز بهترین سن برای شورشگری به شمار می‌رود.

رژیم پهلوی در راستای سیاستهای فرهنگی خود برای تربیت جوان ایرانی بر اساس طرحها و برنامه‌ریزیهای خود سعی داشت او را بلافاصله پس از کانون پرورش فکری وارد کاخ جوانان کند و تربیت جوان ایرانی را در حساس‌ترین مقطع سنی خود به دست گیرد و او را مدافع سلطنت و حکومت بار آورد! با این حال، رژیم در انجام این هدف تا چه حد موفق بود؟ بر اساس تجربه کسانی که رفت و آمدی به کاخ داشتند بسیاری از جناحهای مختلف سیاسی در دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در کاخهای جوانان نفوذ داشتند. در این میان نفوذ جریانهای چپ و فعالیتهای زیرزمینی آنان بیش از دیگر گروهها بوده است.

سند زیر نشانگر آن است که فعالان سیاسی نه تنها در جایگاه عضویت بلکه در جایگاه مدیریتهای مختلف کانون نیز نفوذ کرده بودند:

شماره: ۱۴/۱۴۱۸۵ هـ

به ۳۲۴

تاریخ ۳۶/۶/۱۴

از: ۱۲ هـ

موضوع: کاخ جوانان سندج

روز ۳۶/۳/۷ محسن طلوعی به یکی از دوستانش اظهار داشت در چند روز گذشته فیلم بسیار خوبی به نام دوران ماکسیم گورکی را در کاخ جوانان نمایش دادند که حاوی صحنه‌های

جالبی از یک زندگی کمونیستی بود و قرار است در آینده نزدیک فیلم دیگری به نام مادر که آن هم اثر ماکسیم گورکی می‌باشد نمایش داده شود که در این اثر انقلاب عظیم شوروی تشریح گردیده است. نامبرده سپس به دوستش گفته در حال حاضر رادیویی با نام صدای ملی ایران روی موج ۴۱ متر برنامه‌هایی به زبانهای کردی، ترکی و فارسی علیه رژیم ایران پخش می‌نماید و اخبار خوبی درباره انقلابیون و مبارزاتشان در دسترس می‌گذارد. یاد شده مجدداً به فیلم دوران کودکی ماکسیم گورکی اشاره و اضافه می‌نماید آن قدر تحت تأثیر این فیلم قرار گرفته که آرزو دارد روزی اسلحه به دست گرفته و برای این خلق ستم‌دیده بجنگد.

نظریه شنبه: از فحوای صحبت محسن طلوعی چنین برمی‌آید که قبلاً کتابهای دوران کودکی ماکسیم گورکی و مادر اثر همین نویسنده را مطالعه نموده و به احتمال زیاد موضوع رادیو صدای ملی ایران را نیز به افراد زیادی گفته است.

نظریه یکشنبه: ۱- با توجه به سابقه محسن طلوعی نظریه شنبه تأیید می‌شود. ۲- نمایش این قبیل فیلمها و یا نمایشات در کاخ جوانان به مصلحت نیست. افضلی.

نظریه سه‌شنبه: ۱- با عنایت به گزارشاتی که درباره محسن طلوعی تقدیم گردیده اظهار چنین مطالبی از ناحیه وی به احتمال قوی صحت دارد. ۲- در بین گروه هنری کاخ جوانان عده‌ای ناراحت وجود دارد که مرتباً سعی دارند از این قبیل پیس یا نمایش‌نامه‌ها اجرا نمایند. ۳- یک بار که موضوع کنترل نمایش‌نامه‌های گروه هنری کاخ جوانان وسیله فرهنگ و هنر مطرح شده بود گروه مذکور شدیداً به این امر اعتراض نموده بودند و در وضع حاضر معلوم نیست چنین کنترلی به عمل می‌آید یا خیر. ۴- در تحقیقات معموله چنانچه موضوع نمایش دوران ماکسیم گورکی در کاخ جوانان تأیید گردید ترتیبی داده خواهد شد که من بعد از نمایش این قبیل نمایش‌نامه‌ها قویاً خودداری به عمل آید. پویا.

نظریه چهارشنبه: ۱- نمایش فیلم‌های دوران کودکی ماکسیم گورکی و مادر در کاخ جوانان سندی صحت دارد و به طوری که مدیرعامل کاخ اظهار می‌دارد این فیلمها را مؤسسه تلاش فیلم برای کاخهای جوانان می‌فرستد. ۲- با توجه به اینکه کتاب مادر نوشته ماکسیم گورکی جزو کتب مضره منظور شده معلوم نیست مقامات ذی‌صلاح بر مبنای چه انگیزه‌ای [اجازه] داده‌اند فیلم آن که آثار عینی و ذهنی توأمأ دارد برای نوجوانان که در شرایط آسیب‌پذیری بیشتری هستند به نمایش گذاشته شود. ۳- بررسی مطالب فوق چنین نشان می‌دهد که هم‌آهنگی وجود ندارد. ۴- وظیفه ۱۲ هـ [را] در قبال نمایش چنین فیلمها و یا نمایش‌نامه‌هایی روشن فرمایید. احسنی.^{۲۸}

البته دور نیست که فیلم مادر برای جذب افراد چپ‌گرا به نمایش درآمده بود.

در این میان نباید از نفوذ و فعالیت جناحهای مذهبی نیز چشم پوشید. آنان پس از آنکه فضای کاخ را برای فعالیتهای سیاسی امن دانستند، دست به اقداماتی زدند و برای آنکه کسی پی به فعالیتهای سیاسی آنان در بیرون از کاخ نبرد به عضویت کاخ درمی آمدند و از امکانات آن هم بهره می بردند.

به گفته یکی از شاهدان عینی، جوان مذهبی عضو کاخ، پس از اتمام کلاسها، در بیرون از کاخ به پخش اعلامیه های حضرت امام اقدام می کرد^{۲۹} و در جلسات و محافل سیاسی - مذهبی مخالف رژیم پهلوی شرکت می جست و عضویت جوان مذهبی در کاخ، پوششی مناسب برای فعالیتهای سیاسی او به شمار می رفت.

گروههای تشکیل شده در کاخ

به منظور اجرای اهداف کاخ، گروهها و رشته های مختلفی در کاخ جوانان تشکیل گردید و برنامه های مربوط به هر یک از گروهها تدوین شد. در دل هر گروهی نیز کمیته هایی با وظایف مشخص پدید آمد:

- ۱- گروه دوستداران کتاب با سه کمیته: الف) کمیته شناسایی کتاب ب) کمیته همکاری با کتابخانه و کتابداری.
- ۲- گروه پزشکی با سه کمیته: الف) بهداشت، ب) امداد فوری، ج) کنفرانسهای پزشکی.
- ۳- گروه تحقیقات و بررسیهای علمی با پنج کمیته: الف) بررسی و تحقیق در مسائل اجتماعی جوانان، ب) علوم فنی و صنعتی، ج) رهبری و آموزش، د) آمار، ه) سمینارها و بازدیدهای علمی و اجتماعی.
- ۴- گروه ورزشی با چهارده کمیته در رشته های مختلف ورزشی.
- ۵- گروه فعالیتهای اجتماعی با دو کمیته: الف) تعاون، ب) امداد اجتماعی.
- ۶- گروه روابط عمومی با دو کمیته: الف) انتشارات و تبلیغات، ب) اردوها و گردشهای دستجمعی.
- ۷- گروه هنری با سه کمیته سینما و عکاسی و فیلم برداری، هنرهای نمایشی و تزئینی و تئاتر.
- ۸- گروه ادبی با سه کمیته شعر و نویسندگی، ادبیات خارجی، سخنوری.
- ۹- گروه موسیقی با چهار کمیته موسیقی کلاسیک، موسیقی ملی، موسیقی جاز، کمیته برنامه ها.
- ۱۰- گروه تشریفات.
- ۱۱- گروه روابط بین الملل.
- ۱۲- گروه هماهنگی.^{۳۰}

شعب کاخ

شعبه مرکزی روبروی حسینیه ارشاد قرار داشت.^{۳۱} این شعبه از کاخ جوانان که بعدها کاخ مرکزی عنوان گرفت بر فراز یک بلندی ساخته شده، در بنای آن کتابخانه، سینما، کافه تریا، اتاقهای شطرنج، موسیقی و بیلارد تعبیه شده بود. در حیاط آن نیز یک حوض شنا برای دختران و پسران ساخته شد. تالار اجتماعات آن گنجایش ۳۵۰ نفر را داشت و هر روز برنامه‌هایی از قبیل نمایش فیلم، تئاتر، کنسرت و سخن‌رانی در آن به اجرا درمی‌آمد.^{۳۲}

جمیز بیل، استادیار گروه حکومت در دانشگاه تگزاس، در توصیف کاخ مرکزی چنین می‌نویسد: «کاخ جوانان پر زرق و برقی که در آن یک استخر شنا و شیرجه با استاندارد المپیک و آب گرم، یک تالار نمایش ۲۵۰ نفره، تهویه مطبوع با معماری فاخر مرمرین ساخته شده است و محل آن در شمال تهران و مشخصاً در محل سابق باشگاه سازمان امنیت است...» به اعتقاد وی، افتتاح اولین شعبه از کاخ در شمال تهران، در خدمت طبقات مرفه و متمول شهر قرار گرفت و انتقادهایی را نیز در پی داشت و مسئولان و مقامات مملکتی در پاسخ به چنین انتقادهایی شعبه‌های دیگری از کاخ را در پایین شهر و در محلات متوسط و فقیرنشین شهر احداث کردند.^{۳۳} مطالعه و بررسی کارنامه فعالیت‌های ده ساله کاخ جوانان نشان می‌دهد که هدف اصلی آنها از ایجاد کاخ جوانان، جذب دانشجویان و جوانان طبقات متوسط و فقیر جامعه بوده است و این نتیجه با آنچه که جمیز بیل به آن رسیده است تناقض دارد.

از نظر آماری نیز جمعیت زیادی را از طبقات متوسط به پایین به خود اختصاص داده بودند. اگرچه اولین کاخ (کاخ مرکزی) در بالای شهر احداث گردید، اما به غیر از آن، محل کاخهای دیگر در پایین و حاشیه شهر تهران بوده است و این امر نشان می‌دهد که اگر مسئولان در اندیشه جذب دانشجویان طبقات مرفه بودند دیگر کاخها را نیز در محلات مرفه‌نشین احداث می‌کردند که در عمل چنین نبود.

شعب جنوبی و غربی: در ۱۳۴۷ش دو شعبه جدید کاخ جوانان در تهران افتتاح شد و اقدام به عضوگیری کرد. شعبه غربی در منطقه راه‌آهن و شعبه جنوبی در سلسبیل قرار داشت و هر دوشنبه تقریباً از امکاناتی مشابه امکانات شعبه مرکزی برخوردار بودند. محل کاخ جنوبی پیش از آن از مراکز آلونک‌نشین تهران بود که ساکنان آن به کوی نهم آبان انتقال یافتند.^{۳۴} در جریان ایجاد و افتتاح شعب جنوبی و غربی، مسئولان کاخ اعلام کردند به منظور به وجود آوردن محیط مناسب برای پرورش ذوق و استعداد و نیروی فکری جوانان شهرستانی قرار است در شهرستانها نیز شعب کاخ جوانان تأسیس شود.^{۳۵}

شعبه تبریز: شعبه کاخ جوانان تبریز در ۳۰ آذر ۱۳۴۷ افتتاح گردید.^{۳۶} کاخ جوانان تبریز در کنار

شهر و در زمینی به مساحت ۳۵۰۰ متر مربع احداث شد و ساختمان آن از یک سالن کنفرانس و چند سالن مخصوص نمایش، مطالعه، غذاخوری، شطرنج، کتابخانه و ورزش تشکیل یافته و گنجایش پانصد عضو را داشت. مخارج احداث کاخ مزبور نیز از محل اعتبارات عمرانی کشور پرداخت شده بود.^{۳۷}

شعبه رشت: ساختمان کاخ جوانان شعبه رشت در ۱۰ مهر ۱۳۴۸ اندکی پس از برگزاری مجمع عمومی سالیانه مسئولان کاخ افتتاح شد و به عضوگیری پرداخت. این ساختمان در زمینی بسیار وسیع و با امکاناتی چون سالنهای ورزشی، کتابخانه، کافه تریا، اتاقهای شطرنج و موسیقی و استخرهای شنا ساخته شد و در طول چند سال فعالیت خود از جمله شعبات پر رونق و فعال کاخ جوانان به شمار می‌رفت.

شعبه رضائیه: این شعبه در ۱۰ اسفند ۱۳۴۸ افتتاح شد و فعالیت خود را با عضوگیری از جوانان ارومیه آغاز کرد. این مرکز در زمینی به نسبت بزرگ، علاوه بر کتابخانه، اتاق کنفرانس، کافه تریا، سالن ورزشی، اتاق نقاشی، تالار اجتماعات، زمین تنیس، والیبال، بسکتبال و استخر شنا داشت.

شعبه کرمان: کاخ جوانان شعبه کرمان در سالروز انقلاب سفید شاه و ملت در ۱۳۴۹ش افتتاح گردید. کاخ مزبور دارای خوابگاه پسران با گنجایش دویست دانشجو، کتابخانه، زمینهای ورزشی، استخر شنا و خوابگاه دختران بود.^{۳۸}

شعبه ساری: این شعبه در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۰ با حضور غلامرضا نیک‌پی افتتاح و آغاز به کار کرد. بنای کاخ در یکی از بهترین و خوش آب و هواترین نقاط شهر ساری ساخته شد و بیش از ۵۳۰۰ متر مربع مساحت و ۱۳۰۰ متر مربع زیربنا داشت و امکاناتی چون سالن کنفرانس، اتاقهای اداری، سالن ورزشی، اتاق امداد، فروشگاه تعاونی، تالار اجتماعات، تریا و رستوران، اتاق شطرنج و ... در آن تعبیه شده بود.

شعبه اصفهان: نهمین شعبه کاخ جوانان ایران در ۴ بهمن ۱۳۵۱ توسط فاطمه پهلوی در اصفهان افتتاح گردید. ساختمان کاخ مزبور در خیابان کمال اسماعیل در ساحل زاینده‌رود توسط اداره کل آبادانی و مسکن استان اصفهان در ۲۶ هزار متر مربع ساخته شد و امکاناتی چون کتابخانه، سالن کنفرانس، سالن ورزشی، سلف سرویس، سالن نمایش، کارهای دستی، اتاق امدادی، فروشگاه تعاونی، تالار اجتماعات، استخر و کافه تریا در آن تعبیه شده بود.^{۳۹}

شعبه پارک فرح‌آباد: در ۲۵ شهریور ۱۳۵۲ همزمان با آغاز سی و سومین سال سلطنت محمدرضا پهلوی توسط خود او کاخ جوانان شعبه پارک فرح‌آباد افتتاح گردید.^{۴۰} کاخ جوانان فرح‌آباد به مساحت ۱۲۰۰ متر دارای زمین فوتبال، والیبال، بسکتبال، استخر شنای بزرگسالان و



عکس روی جلد گزارش سالانه کاخ جوانان

شهرک دانشجویان از مطالبات فرهنگی

خردسالان، تالار اجتماعات، اتاق شطرنج و کتابخانه بود.^{۲۱}

شعبه مهر: در ۴ آبان ۱۳۵۳ کاخ جوانان مهر در تهران افتتاح شد. این کاخ در خیابان قلعه مرغی، خیابان فلاح، میدان فلاح قرار داشت و یکی از چند شعبه‌ای بود که در جنوب تهران و در مناطق پرجمعیت ساخته می‌شد. امکانات آن نیز شامل کتابخانه، اتاق شطرنج، زمینهای فوتبال، والیبال و بسکتبال، استخر شنا، کافه تریا و سالن اجتماعات بود.^{۲۲}

شعبه سنندج: کاخ جوانان شعبه سنندج در ۳۰ بهمن ۱۳۵۴ افتتاح شد. این کاخ در زمینی به مساحت حدود پنج هزار متر مربع و با زیربنایی در حدود دو هزار متر مربع احداث گردید و امکاناتی چون تالار اجتماعات، کافه تریا، سالن شطرنج، سالن پینگ پنگ، سالن کنفرانس و اتاقهای امداد و اداری داشت.^{۲۳}

شعبه ری: این شعبه در اول دی ۱۳۵۳ افتتاح گردید و همانند شعبات دیگر برای استفاده اعضا

به امکاناتی چون کتابخانه، سالنهای مختلف ورزشی، اتاق شطرنج، اتاق امداد، تالار اجتماعات و استخرهای شنا مجهز بود.

علاوه بر شعبات ذکر شده، دو شبانه‌روزی دختران و پسران در خیابان پهلوی تهران و یک شبانه‌روزی در کرمان از مراکز مربوط به کاخ جوانان به شمار می‌رفت. در شبانه‌روزیهای یادشده دانشجویان دختر و پسر شهرستانی اسکان می‌یافتند و از امکانات آن بهره می‌بردند.

نحوه اداره کاخهای جوانان

تشکیلات کاخ جوانان عبارت بود از هیئت مدیره، هیئت عامل و گروههای یازده‌گانه. هیئت مدیره مسئول تصویب برنامه‌ها، بودجه و بیلان کارها بود و نظارت کامل بر سیاست عمومی کاخ، کلیه فعالیتها و برنامه‌ها و بالاخره توسعه و پیشرفت شعب کاخ را برعهده داشت. هیئت مدیره متشکل از یازده عضو بود که شش عضو آن از سوی نخست‌وزیر و پنج عضو دیگر از سوی مجمع عمومی - که مهرماه هر سال برگزار می‌شد - برای مدت یک سال انتخاب می‌شدند. هیئت عامل هم مرکب از پنج نفر بود که از سوی هیئت مدیره و برای مدت یک سال انتخاب می‌شدند و وظیفه آنها انجام امور اجرایی و تنظیم و نظارت بر برنامه‌های کاخ بود. گروههای یازده‌گانه نیز که واحدهای اجتماعی کاخ به شمار می‌رفتند دارای یک مشاور، یک رئیس، یک نایب رئیس، یک خزانه‌دار و یک دبیر بود و کمیته‌های هر یک از گروهها نیز یک نایب‌رئیس و یک دبیر داشت. مشاوران گروهها به وسیله هیئت عامل منصوب و هیئت رئیسه گروهها و کمیته‌ها نیز به وسیله اعضا و در جلسات همگانی انتخاب می‌شدند. با آنکه برای اداره کاخها اساس نامه‌ای تصویب شده بود و مسئولان کاخ از شرکت دادن جوانان در رده‌های بالای مسئولیتی و سپردن کارها به خودشان دم می‌زدند، اما مطالعه نحوه اداره کاخ و نحوه انتخاب مدیران و عاملان آن نشان می‌دهد که بسیاری از مسئولیتهای حساس و کلیدی کاخهای جوانان انتصابی بوده است. غلامرضا نیک پی یازده سال پی در پی بر مسند ریاست هیئت مدیره کاخ جوانان تکیه زد و این موضوع نشان می‌دهد که کاخهای مزبور تشکیلاتی برای اجرای مقاصد خاص رژیم پهلوی به شمار می‌رفتند و حکومتگران می‌کوشیدند در اجرای مقاصد مزبور از افراد مطیع و سرسپرده بهره گیرند. نحوه اداره کاخها در شهرستانها نیز به روال کاخهای تهران بود اما در آنها ریاست هیئت عامل و در حقیقت همه کاره آن شعبه، استاندار استان مربوط بوده است.^{۴۴}

دو هفته نامه کاخ جوانان

در ۱۳۴۷ ش - حدود دو سال پس از فعالیت شعب کاخ جوانان - مسئولان کاخ بر آن شدند

کاخ جوانان؛ از تأسیس تا انحلال

تا اخبار برنامه‌ها و فعالیت‌های کاخها را در نشریه‌ای به همین نام منتشر سازند. پس اولین شماره دو هفتگی کاخ جوانان در مهر ۱۳۴۷ بلافاصله پس از برگزاری مجمع عمومی سالیانه به صورت ویژه‌نامه پا به عرصه مطبوعات گذارد. این نشریه در سالهای اول به صورت نامنظم و در قالب ویژه‌نامه انتشار می‌یافت و مدتی نیز به طور مرتب هر دو هفته یک بار منتشر می‌شد. کاخ جوانان زیر نظر روابط عمومی، با مسئولیت مهدی نواب بوشهری و سردبیری داریوش ازدری به چاپ می‌رسید و هیئت تحریریه آن را علیرضا جوهری، فریدون دولت‌آبادی، محمود سارنگ، محمد کسرائی آذر و داریوش نعمانی تشکیل می‌دادند.



۱۳۳

مشى کاخ جوانان علمى، خبرى و اجتماعى بود که فقط اخبار و مطالب داخلى کاخهاى جوانان کشور را منتشر و منعکس مى‌کرد و در ماههاى مهر و نوروز هر سال نیز به صورت ویژه‌نامه منتشر مى‌شد.

به ادعای برخی عوامل رژیم پهلوی بویژه دست‌اندرکاران و مجریان برنامه‌های رژیم در امور کاخ جوانان، کاخ جوانان که اندکی پس از نمایش به اصطلاح انقلاب سفید ایران در صحنه امور اجتماعی و فرهنگی کشور به عنوان یکی از پدیده‌های انقلاب رخ نمود به نحو شگرفی نقش خود را در راه خدمت به رفاه جوانان و هدایت فکرهای جوانان و استعدادهاى نوحاسته و قریحه‌های نوشکفته ایفا کرد^{۴۵} و همواره به مسئله آموزش اجتماعی جوانان به عنوان هدفی کیفی توجه داشت.

اجرای برنامه‌های علمی و هنری، تشکیل جلسات بحث و انتقاد و سخن‌رانی، انجام فعالیت‌های جمعی، نمایش فیلم، برپایی تورهای علمی و برنامه‌های تفریحی در کاخهای جوانان سبب شد تا طبقه جوانی که با شور و اشتیاق زیاد می‌کوشید راهی برای وارد شدن به میدان فعالیت

اسناد و مدارک برجای مانده از آن دوران نشان می‌دهد که کاخهای مزبور با برنامه‌های مختلف، جوانان را در گام نهادن به مسیرهای غیراخلاقی تشویق می‌کرد و علاوه بر آن اجرای برنامه‌های رقص محلی و برنامه‌های موسیقی از جمله موسیقی جاز و دعوت از هنرپیشه‌ها و رقاصه‌های محلی و باله و خواننده‌های ایرانی (کسانی مثل گلنوش، مرجان، هایده و ...) و خارجی و اجرای برنامه از سوی آنها، پخش فیلمهایی با موضوع عشق و با مفاهیم بسیار نازل و گاه پخش فیلمهای مبتذل در سینماهای کاخ، در سوق دادن نسل جوان به فساد و بی‌هویتی و ترویج فرهنگ مبتذل غربی بی‌تأثیر نبوده است.

تبلیغ برنامه‌های حکومت پهلوی و ترغیب نسل جوان به حمایت از برنامه‌های مزبور، دیگر سیاست اداره‌کنندگان کاخ جوانان به شمار می‌رود. بررسی زمانهای افتتاح هر یک از شعب کاخ نشان می‌دهد که به مناسبتهایی چون روز تولد محمدرضا پهلوی و فرح دیبا، سالروز انقلاب سفید، سالروز تاجگذاری، سالروز به حکومت رسیدن محمدرضا و ... نشانگر وجود تفکر و اندیشه‌ای در پشت پرده است و همانا کمک به تداوم حکومت و مشروع جلوه دادن اقدامات و فعالیتهای حکومت گران - البته به صورت نامحسوس و غیرمستقیم - بوده است. برگزاری مسابقه‌ای با عنوان طرح آفیش به منظور گرامی‌داشت جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در تمامی شعب نیز در راستای همان سیاست بوده است.

۱۳۵

با آنکه مسئولان کاخ می‌کوشیدند این مراکز را محیطهایی مساعد و مناسب در جامعه نشان دهند اما ماهیت این مراکز خیلی زود برای مردم روشن شد به گونه‌ای که خانواده‌های مذهبی از عضویت فرزندانشان در شعب کاخ ممانعت به عمل آوردند. فعالیتهای اعضای کاخ نیز بازتاب مثبتی در بین مردم نداشت و آنان هنگامی که وضعیت نامناسب دختران و پسران و نوع روابط اعضای کاخ را مشاهده می‌کردند به وجود چنین مراکزی که به اعتقادشان فقط به منظور ترویج فساد و فحشا تأسیس شده بود اعتراض می‌کردند.

سند زیر نشان دهنده یکی از آن اعتراضات مردمی است که در گزارشهای ساواک منعکس شده است: «ساعت ۱۵۰۰ مورخه ۴۷/۹/۱۹ آقای مصباح در دبیرستان حکیم‌الهی اظهار می‌داشت: نخست‌وزیر محلی را به نام کاخ جوانان که محل خوشگذرانی عده‌ای شده در ناحیه ۱۰ ایجاد کرده و هر روز در آنجا میان آنها دلقک‌بازی درمی‌آورند. حال شما می‌خواهید مردم به دین اسلام توجه داشته باشند. بهتر است بروید در آنجا و ببینید که چه اعمالی انجام می‌دهند. البته دستگاههای مملکتی هم از آنها حمایت می‌کنند. خیلی مایلم آخر شب موقعی که می‌خواری آنها تمام می‌شود ببینید با چه وضع ناهنجاری از آن محل خارج می‌شوند...»^{۴۷}

سیاست دیگر مجریان طرح فراهم آوردن زمینه مناسب برای رواج فرهنگ غربی در

سقط جنین و مسائل آن در اجتماع

سیوزیوم گروه پزشکی
کاخ مرکزی جوانان

در اوتال همین ماه گروه پزشکی کاخ مرکزی جوانان طی نشست سیوزیوم پزشکی سنته مطبخین، جرد بررسی فرار داد. در این سیوزیوم و سرگرمی که یک هفته بعد از آن تشکیل شد. عده زیادی از اساتید دانشگاه و متخصصین گرامی زنان و ماماها از جمله آقای دکتر صالح، آقای دکتر سرداری، آقای دکتر حبیبی، آقای دکتر حبیط، آقای دکتر استاجانلو، آقای دکتر نوروزیان، آقای دکتر جباری، آقای دکتر طاهری، آقای دکتر محبی، آقای دکتر فرهنگ، آقای دکتر حویتمنوری و آقای دکتر حسینی شرکت داشتند و برپایه «سقط جنین» گنگوهی بسیار مفید و جالبی برپا کردند.

از این برنامه گزارش توسط کمیته انتشارات کاخ مرکزی جوانان، تهیه شده است که در اینجا درج میگردد.



دکتر جهانیه صالح
* داروهائی که اغلب فالگیرها و دعانویسها و خالهزنکیها تجویز میکنند، سخت خطرناک * باید در قوانین بنحوی تعدیل شود.
دکتر سرداری:
* آموزش مسائل جنسی باید در مدرسه و محیط خانواده صورت گیرد.
* نباید بخاطر چند کلمه که قانیه نش نامیده اند شاهد قربانی شدن مادرها شد.
دکتر استاجانلو:
* قانون عدم سقط جنین از طرف یک چهارم خانهای باردار نادیده گرفته میشود.
دکتر نوروزیان:
* آزادی سقط جنین تلفات را پائین میآورد.
دکتر سرداری:
دکتر سرداری و گروه عموسی نوعی دیگر. سقط عمدی در همه دنیا، به چند دلیل و از جمله بدلیل فقر اقتصادی و داشتن فرزندان زیاد، انجام میگردد.
دکتر نوروزیان:
دکتر نوروزیان و گروه عموسی اجتماعی و فردی زنان و افزایش مسائل حرفه‌ای مربوط به آنان، نظیر مدیر کل یا وکیل و یا ستاور شدن، این

مشکل را پیش میآورد که خانیه نتواند با شکم پر و وزن اضافی سر کارش حاضر شود.
آقای دکتر صالح ضمن سخنان خود افزود:
«بیمه‌های نامشروع یکسری دیگر از علل سائطهای سرخود هستند که مورد احتشاک و استنایش را میسوان تولد نوزاد ناشی از زنا یا مجرم دانست.
متأسفانه بعثت انحطاط جوامع، آستی‌جای نامشروع فراوان شده است و اخلاقات خانوادگی و ترس از آستی نیز بر این مشکل میافزاید و سب سقط جنین میشود. البته با آزادی بدون قید و شرط سقط جنین مخالفیم، اما آزاد بودن این عمل را در شرایطی اجتناب ناپذیر میدانم....»
آقای دکتر سرداری، معاون وزارت بهداشتی و سرپرست برنامه‌های تنظیم خانواده، ضمن ارائه آمار و ارقام دقیقی از افزایش جمعیت در کشورهای جهان، قانون موجود سقط جنین را سخت مورد حمله قرار داد و گفت:
«این قانون میگوید در

واردی که جان مادر درخطر است «طیب اجازه دارد دست به سقط جنین بزند و درموارد بسیار دیگری که جان مادر بنظر در خطر نیست ولی خطرهایی برآب و حشاکت آن برای جامعه و خانواده وجود دارد، دست طیب را بسته است.»
آقای دکتر جباری درمورد سقط جنین به آمارهای اشاره کرد و گفت:
«در تهران هر سال سی هزار سقط جنین عموسی صورت میگردد، از پرسش‌نامه‌هایی که بین طبقات مختلف توزیع کرده‌ام، آمار قابل توجهی بابت آمده است و نشان میدهد که بیشتر خانهای حامله علاقه‌مندند سقط جنین کنند. علاوه آمار موید اینست که از منع سقط جنین بیشتر خانواده‌های فقیر زیان می‌بینند، زیرا زنان ثروتمند به خارج از کشور میروند و به سقط جنین معارت میکنند.
آقای دکتر پرویز ممیلی معاون دانشکده پزشکی دانشگاه ملی ضمن اشاره به اهمیت بحث

بین اعضای کاخ بوده است. همکاری نزدیک با انجمن ایران و امریکا، دعوت از اروپاییها و امریکاییهای مقیم تهران و شرکت دادن بسیاری از آنان در کلاسهای هنری و آموزشی در کنار جوانان ایرانی، در راستای سیاست مزبور بوده است چرا که حضور زنان و دختران اروپایی و امریکایی در کنار جوانان ایرانی در ترویج فرهنگ آنان، مؤثر بوده است. با چنین اقداماتی به طور غیرمستقیم ارزشها، اعتقادات و مفاهیم دینی و اسلامی آرام و ناملموس از زندگی جوان ایرانی رنگ می‌بخت.

سند زیر روایت پلیس تهران از برگزاری یک میهمانی مجلل در کاخ جوانان با حضور دو هزار امریکایی آن هم در ماه مبارک رمضان است و نشان می‌دهد که چگونه در این گونه محافل اعتقادات و ارزشهای دینی به سخره گرفته می‌شد: «از پلیس تهران به ریاست اداره اطلاعات، ۳۵/۶/۲۰ - موضوع: برگزاری مهمانی. طبق گزارش کلاتری قلهک ساعت ۱۱۰۰ روز ۲۵۳۵/۶/۱۶ [۱۳۵۵] آقای مقبل از کاخ جوانان اطلاع داد در حدود ۲۰۰۰ نفر امریکاییان مقیم تهران به منظور ثبت نام در کلاسهای آموزشی و هنری از ساعت ۱۴۰۰ الی ۱۸۰۰ روز مذکور در کاخ جوانان اجتماع و مهمان آقای شهردار پایتخت می‌باشند که بلافاصله مراتب به آن اداره اعلام و با توجه به کمی وقت از همان لحظه از لحاظ انتظامی و حفاظتی پیش‌بینیهای لازم معمول و مراسم با شرکت دو هزار نفر زن و بچه امریکایی در نهایت نظم و آرامش برگزار گردیده است. مسئله قابل توجه اینکه مسئولین امر بدون در نظر گرفتن درگیریهای عوامل انتظامی و اطلاعاتی و رعایت سایر نکات حفاظتی اجتماعی که قریب دو هزار نفر زن و بچه امریکایی در آن شرکت می‌نمایند و عموماً هدف خرابکاران می‌باشند ترتیب و جریان را سه ساعت قبل از برگزاری به پلیس اطلاع [می‌دهند] و خطرات احتمالی آن را نادیده می‌گیرند. ضمناً به طوری که کلاتری گزارش داده در جلسه مزبور در ساعات برگزاری با میوه و شیرینی و نوشیدنی از مدعوین پذیرایی و با نگرش به اینکه تهران پایتخت کشور اسلامی است و تظاهر به روزه‌خواری در اذهان و افکار عمومی اثرات نامطلوبی بر جای می‌گذارد بهتر بود این مجلس را به ساعاتی بعد از افطار، یا حداقل پذیرایی از مدعوین را به آن ساعات موکول می‌نمودند. علی‌هذا مراتب جهت استحضار و هرگونه اقدام مقتضی بدین وسیله اعلام می‌گردد. رئیس پلیس تهران. سر تیپ مولوی.»^{۴۸}

این گونه سیاستهای عوامل رژیم فقط به جوانان تهرانی محدود نمی‌شد بلکه با ایجاد شعبات مختلف در مراکز برخی استانها، جوانان دیگر نقاط کشور را نیز به فساد و تباهی می‌کشاندند. در برخی شهرهای کوچک نیز که بودجه و توانی برای تأسیس شعب کاخ جوانان وجود نداشت، مراکزی را با نام خانه جوانان - به تقلید از کشورهای اروپایی - راه انداخته بودند و برنامه‌ها و مقاصد خود را با جذب جوانان به آن خانه‌ها اجرا می‌کردند.

یکی از شهرهایی که در آن مدتی خانه جوانان دایر شد و فعالیت کرد، ملایر بود. عکس‌العمل مردم در شهرهای کوچک در قبال چنین اقداماتی به مراتب سریع‌تر از شهرها و محیطهای بزرگ بود، چون بافت فرهنگی و سنتی شهرهای کوچک امکان بروز چنان نابهنجاریهایی را نمی‌داد. در گزارشی از ساواک نوع فعالیت خانه جوانان ملایر و عکس‌العمل مردم نسبت به آن چنین منعکس شده است: «حدود سه ماه قبل [خرداد ۱۳۵۶] خانه جوانان که اعضای آن را دختران و پسران تشکیل داده‌اند در ملایر به وجود آمده است و محل آن در یکی از خانه‌های کرایه‌ای شهر که بین چند صدخانه قرار دارد تعیین شده است. از صبح تا شب دختران و پسران به این محل تردد دارند و کم‌کم در صورت مرکز فساد در می‌آید و قرارها اینجا گذاشته می‌شود و مردم واقعاً به ستوه آمده‌اند و نسبت به این اقدام شدیداً بدبین شده‌اند.»^{۴۹}

علی‌رغم مخالفت جامعه مذهبی آن روز ایران بویژه علما، کاخ جوانان از بدو پیدایش خود در ۱۳۴۵ تا پایان دوره حکومت پهلوی دوام یافت و در پیشبرد اهداف ضدفرهنگی رژیم و به فساد و تباهی کشاندن جوانان این مرز و بوم و دور کردن آنها از اندیشیدن به سرنوشت خود و آینده کشورشان نقش داشت و اگر پیروزی انقلاب رخ نمی‌داد شاید به مرور در تمام شهرستانها و روستاها نیز شعبه‌ای از کاخ تأسیس می‌شد و به فعالیت می‌پرداخت و در جهت بقا و تداوم حکومت پیشین می‌کوشید.

با اوج‌گیری مبارزات مردمی علیه رژیم و بروز درگیریها و خشونت‌ها بین مردم و عوامل انتظامی رژیم، کاخهای جوانان از جمله مراکز مورد حمله مردم بود و بسیاری از ساختمانهای آن در آتش خشم انقلابی مردم سوخت. در بهمن ۱۳۵۷ کارکنان کاخهای جوانان نام کاخ جوانان را به «سازمان ملی امور جوانان» تغییر دادند و در حمایت از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی بیانه صادر کردند.^{۵۰}

چندی پس از پیروزی انقلاب اسلامی کانون اسلامی جوانان - وابسته به بخش فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - در ساختمانها و مؤسسات بر جای مانده از کاخ جوانان برنامه‌های مذهبی اسلامی پیاده کرد که عمر آن نیز دیری نپایید.^{۵۱}

اکنون باید دید چرا حکومت پهلوی نتوانست اهداف خود را از طریق کاخ جوانان پیاده سازد. در این باره چند نکته مهم را باید در نظر داشت. یکی اینکه در دوره پهلوی معمولاً پایگاه عاطفی (خانواده) و پایگاه اجتماعی (به عنوان مثال کاخ جوانان) جوانان همسو نبود، بلکه در تضاد با هم قرار داشت و همین موضوع، جوان ایرانی را به چالش می‌کشاند و انگیزه اختلاف و مخالفت با رژیم را در او پدید می‌آورد. دوم اینکه سیاستها و برنامه‌های پیاده شده در کاخ بویژه در خصوص آزادیهای فردی بسیار گسترده‌تر از سطح اجتماع بود.

کاخ جوانان؛ از تأسیس تا انحلال

تضاد روابط اجتماعی یک جوان در خانواده، اجتماع و داخل کاخ برای او قابل هضم نبود. سوم اینکه رژیم پهلوی بر اساس سیاستهای خاص خود سعی داشت با احداث کاخهای جوانان در حاشیه تهران - جاهایی که امکانات بسیار محدودی برای یک زندگی معمولی در آن مناطق وجود داشت - رضایت جوانان جنوب شهر را با فراهم آوردن امکانات خوب در داخل کاخ فراهم آورد غافل از اینکه همین موضوع نیز به نارضایتی جوانان جنوب شهر می‌انجامید چرا که نیروهای طبقات متوسط و پایین‌تر از آن با ورود به کاخ و مشاهده امکانات جدید، آرام آرام نسبت به رژیم بدبین شده ایجاد نارضایتی می‌کردند چرا که امکانات قرار داده شده برای اعضای کاخ، تنها برای ساعاتی محدود بود و اعضا پس از آن دوباره به سطح زندگی عادی و بدون امکانات رفاهی خویش برمی‌گشتند و مطابقت زندگی معمولی آنان با امکانات رفاهی بالای کاخ در ذهنشان تولید نارضایتی می‌کرد.

مجموع همین نارضایتیها در بهمن ۱۳۵۷ خودنمایی کرد و جوانان ایرانی، همانهایی که بسیاری از آنها عضو کاخ جوانان بودند، با شرکت در راهپیماییها و اقدامهای انقلابی در سقوط رژیم شاهنشاهی مشارکت کردند.

۱۳۹ در بررسی وضع اجتماعی اعضای کاخ جوانان این نتیجه به دست می‌آید که اعضای کاخ جوانان جزو طبقات متوسط و قشر پایین‌تر از آن بودند چرا که طبقات متمول از آن امکانات رفاهی بی‌نیاز بودند و در صورت احساس نیاز به امکاناتی فراتر از آن، راهی کشورهای اروپایی می‌شدند.

به جرئت می‌توان گفت که بسیاری از اعضای کاخ قشر فقیر و کم بضاعت جامعه بودند که جذب امکانات کاخ جوانان می‌شدند و تضادهای موجود در جامعه آن روز آرام آرام از همان جوانان، مخالفانی علیه رژیم پهلوی پدید آورد و بسیاری از آنها با اوج‌گیری مبارزات مردمی برای به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی به سیل خروشان مردم انقلابی پیوستند.

پانوشتها

- ۱- کاخ جوانان، س ۸، ش ۷ و ۸، ص ۱۲.
- ۲- مهدی نواب بوشهری متولد ۱۳۱۷ش رئیس روابط عمومی و انتشارات کاخ جوانان بود و سردبیری مجله کاخ جوانان را برعهده داشت. علاوه بر آن مدتی نیز سردبیری روزنامه مصرف‌کنندگان با او بود.
- ۳- طاهره عرفان تحصیلات متوسطه را در دبیرستان انوشیروان دادگر به اتمام رساند و پس از اخذ گواهی‌نامه لیسانس در رشته مدیریت بازرگانی، دوره فوق‌لیسانس را نیز در همین رشته در دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی به پایان برد. مدت هفت سال در سازمان دختران دانشجوی دانشگاه تهران فعالیت کرد و دوره رهبری جوانان را در آمریکا و اسرائیل گذراند. عرفان از آغاز تأسیس کاخ جوانان به همکاری نزدیک با آن پرداخت و به ترتیب به سمت مشاورت گروه فعالیتهای اجتماعی و مدیر طرح و برنامه‌های کاخ مرکزی جوانان منصوب گردید. بعدها نیز رئیس هیئت عامل و مدیر کاخ جنوبی شد.
- ۴- عباس اخباری در ۱۳۱۳ش در شهریار متولد شد. تحصیلات خود را تا فوق دیپلم علوم اداری ادامه داد و از جوانی وارد فعالیتهای اجتماعی شد و به عضویت اولین شرکت تعاونی شهریار درآمد. در بیست سالگی مدیرعامل همان شرکت شد و پس از چند سال فعالیت به عنوان اولین شهردار شهریار انتخاب گردید.
- در سالهای بعد به تدریج به عنوان کارشناس استخدامی سازمان خدمات کشوری و معاون سازمان جوانان کشور فعالیت کرد و در سال ۱۳۴۵ش به دنبال ایجاد کاخ جوانان به عنوان مدیر کاخ مرکزی جوانان منصوب گردید و پس از مدتی سمت سرپرستی شعب کاخ جوانان را در سراسر کشور به عهده گرفت. اخباری از مرتب‌ترین مئیر عزری - نماینده اسرائیل در ایران - بود و از سال ۱۳۴۲ش با او ارتباط داشت و در همان سالها تعدادی از جوانان ایرانی را به اسرائیل اعزام کرده بود.
- ۵- کاخ جوانان، ش ۱، ۱۶ آذر ۱۳۴۷، ص ۳.
- ۶- همان.
- ۷- همان، ص ۳.
- ۸- همان، ص ۱۲.
- ۹- رجال عصر پهلوی، ۱۸، غلامرضا نیک‌پی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۵ش، سیزده / مقدمه. بعدها که کاخ جوانان در ایران تأسیس گردید چند نفر از جوانان ایرانی به منظور آشنایی با وضع جوانان اسرائیل به آن کشور عزیمت کردند و متقابلاً تعدادی از جوانان اسرائیل نیز به ایران دعوت شدند. عده‌ای از آنها نیز موافق بودند کنسرتهایی در کاخ جوانان اجرا نمایند (همان، ۴۴) و این موضوع نشان می‌دهد که در آن ایام ارتباط نزدیکی بین ایران و اسرائیل برقرار بوده، مسئولان امر در تلاش بودند جوانان ایرانی را تحت تأثیر برنامه‌های جوانان کشور اسرائیل قرار دهند.
- ۱۰- گفتگو با یکی از مطلعان در امور کاخ جوانان.
- ۱۱- بررسی وضع اجتماعی کاخ غربی جوانان، پایان‌نامه دانشگاهی، موجود در آرشیو مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ۱۲- اکبری معلم، علی، علل و عوامل فروپاشی رژیم پهلوی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ش.
- ۱۳- همان.
- ۱۴- همان.
- ۱۵- گفتگو با یکی از مطلعان در امور کاخ جوانان.
- ۱۶- غلامرضا نیک‌پی فرزند عزیزالله اعزاز نیک‌پی و نواده مفخم‌الملک و ظل‌السلطان، در خرداد ۱۳۰۸ در اصفهان به دنیا آمد. پدرش داماد ظل‌السلطان، تحصیل کرده کالج آمریکایی تهران و از ملاکین معروف اصفهان بود که مدتی هم ریاست انجمن شهر اصفهان را برعهده داشت و مشاغل و پستهای زیادی از جمله ریاست شورای عالی کارخانجات اصفهان، فرمانداری کرمانشاهان، استانداری غرب، معاونت نخست‌وزیر، وزارت پست و تلگراف، وکالت مجلس، مدیریت شرکت سهامی کوه‌رنگ و ریاست هیئت مدیره شرکت سهامی توربین را تجربه کرده بود.

کاخ جوانان؛ از تأسیس تا انحلال

غلامرضا نیک‌پی تحصیلات ابتدایی را در دبستان پهلوی اصفهان و تحصیلات دوره متوسطه را در دبیرستان سعدی آن شهر گذراند و پس از اخذ دیپلم در ۱۳۲۵ش وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شد و سه سال بعد لیسانس گرفت.

در ۱۳۲۹ش هم‌زمان با مرگ مادرش به انگلستان رفت و پس از شش سال تحصیل در رشته اقتصاد دانشگاه لندن دکتری گرفت و به ایران بازگشت و پس از یک دوره کارآموزی پروانه وکالت پایه یک دادگستری گرفت و در خرداد ۱۳۳۶ به استخدام شرکت ملی نفت ایران درآمد.

وی در دوران فعالیت در شرکت نفت با امیرعباس هویدا و حسنعلی منصور آشنایی یافت و از آن به بعد به واسطه حمایت آن دو پله‌های ترقی را طی کرد و ابتدا وارد کانون مترقی شد. با تبدیل کانون مترقی به حزب ایران نوین - عضویت اجرایی حزب - و به واسطه ارتباطات خود به عضویت کانون وکلای دادگستری و انجمن نفت ایران درآمد. او در کابینه حسنعلی منصور وزیر مشاور بود و با به قدرت رسیدن هویدا، مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر شد.

او که از عوامل و طراحان اصلی تأسیس کاخ جوانان به شمار می‌رود با تأسیس کاخ جوانان در تهران ریاست کاخ جوانان را عهده‌دار شد و مدت یازده سال سمت مزبور را در اختیار گرفت و در اوایل سال ۱۳۵۶ش جای خود را به صادق کاظمی داد.

نیک‌پی در شهریور ۱۳۴۷ به عنوان وزیر آبادانی و مسکن وارد کابینه شد و در مرداد ۱۳۴۸ از آن سمت برکنار گردید. اسدالله علم دلیل برکناری وی را درگیری لفظی اش با عطاءالله خسروانی، وزیر وقت کشور، در جلسه هیئت وزیران عنوان کرده است. وی در مهر ۱۳۴۸ به عنوان شهردار تهران انتخاب شد و در ۲۵ مرداد ۱۳۵۶ از سمت خود برکنار شد و دو روز بعد به سناتوری انتصابی اصفهان منصوب گردید.

۱۴۱ در ۲۱ آبان ۱۳۵۷ در جریان طرح دستگیری برخی از رجال و وزیران پیشین به منظور جلب رضایت مردم، همراه هویدا و عده‌ای دیگر دستگیر شد و به پادگان جمشیدیه انتقال یافت. در دوران حبس خود به فرمانداری نظامی تهران و شاپور بختیار نامه نوشت و تلاشهای زیادی برای آزادی انجام داد اما کاری از پیش نبرد و سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی پس از محاکمه در دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد و در ۲۱ فروردین ۱۳۵۸ اعدام گردید. نیک‌پی در طول نزدیک به هشت سال تصدی سمت شهرداری تهران تخلفات زیادی کرد و پولهای کلانی به جیب زد.

اقدامات او در آن دوره اعتراضات شدید اقشار مختلف جامعه را برانگیخته بود. (رجال عصر پهلوی، ۱۸، غلامرضا نیک‌پی به روایت اسناد ساواک، پیشین، ص ۲۰ مقدمه؛ حسن قریشی، چهره‌های آشنا، تهران، کیهان، ۱۳۴۴ش، ص ۶۴۰؛ تهران مصور، شمه ۱۶۰۷، چهارشنبه ۸ آذر ۱۳۵۷، ص ۱۸؛ گزارش سالیانه کاخ جوانان، ۱۳۵۶/۷/۱۴، ص ۳؛ گفتگوهای من با شاه، زیر نظر عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱ش، ص ۱۲۹؛ مفسدين فی الارض، صص ۴۸ و ۴۹).

۱۷- کاخ جوانان، س ۲، شمه ۸، ص ۷.

۱۸- فتح‌الله ستوده فرزند علی اکبر در ۱۳۰۳ش در تهران زاده شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران سپری کرد و در رشته برق و ماشین از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده برای ادامه تحصیلات عالی به امریکا رفت و دیپلم مهندسی رشته صنایع را از دانشگاه نیویورک گرفت. همانجا به سرمهندسی تحقیقات علمی منصوب شد و دوره مدیریت صنعتی را گذراند. از مهم‌ترین مشاغل وی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مشاور سازمان برنامه، مدیرعامل شرکت سهامی کارخانجات ونک، ریاست هیئت مدیره و مدیریت عامل شرکت سهامی شیلات ایران، وزارت پست و تلگراف و تلفن در کابینه‌های منصور و هویدا، عضویت در هیئت امنای مؤسسه عالی آموزش ارتباطات، عضویت در باشگاه شاهنشاهی باشگاه فرانسه، عضویت در شورای عالی شکار، عضویت در هیئت مدیره کاخ جوانان. وی مدتی در انستیتوی تکنولوژی به تدریس مشغول بود. او که از اعضای لژهای فراماسونری بود پس از پیروزی انقلاب اسلامی ممنوع‌الخروج گردید. (رجال عصر پهلوی، ۱۸، پیشین، ص ۹۶).

- ۱۹- احمد کاشفی در ۱۳۰۳ش در تهران متولد شد و فوق لیسانس علوم اداری را از دانشگاه تهران گرفت. او در ۱۳۲۲ش وارد خدمت دولتی شد و سمتهایی چون مدیریت کل امور مالی وزارت کشاورزی، مدیریت کل امور مالی و معاونت نخست‌وزیری را تجربه کرد. او در ۱۳۵۴ش در سمت معاونت نخست‌وزیری به خزانه‌داری کل حزب رستاخیز ایران رسید. او در تمامی دوران نخست‌وزیری هویدا با وی همکاری کرد.
- ۲۰- منوچهر پیروز در ۱۳۰۵ش به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان به پایان برد، سپس برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در رشته علوم سیاسی لیسانس و در رشته مدیریت فوق لیسانس گرفت و به استخدام شرکت ملی نفت ایران درآمد. او بعدها به معاونت شهرداری رسید و پس از مدتی کوتاه به قائم‌مقامی شهرداری تهران برگزیده شد.
- در شهریور ۱۳۴۷ با استعفای محمدعلی صفاری از شهرداری تهران، منوچهر پیروز به سرپرستی شهرداری تهران منصوب شد و تا آبان همان سال در آن سمت ماند. او بعدها به سمت استانداری بنادر و سواحل خلیج فارس تعیین گردید و دو سال بعد استاندار فارس گردید و در ۱۳۵۶ش در دستگاه اشرف پهلوی مدیرعامل خانه‌سازی مهستان شد. او در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی از ایران گریخت.
- ۲۱- پروین ثابتی، متولد ۱۳۰۱ش تهران و رئیس شورای مرکزی سازمان زنان بوده است.
- ۲۲- نردین امیرطهماسب (جعفریان) در جمعیت خیریه فرح پهلوی به عنوان مشاور عالی مشغول بود. او در ۱۳۵۰ش از سوی فرح پهلوی به سمت مدیرعامل جمعیت خیریه فرح پهلوی منصوب شد.
- ۲۳- جیمز الین بیل، «سیاست بیگانه‌سازی دانشجویان»، مطالعات ایران، ۱۹۶۹، شم زمستان، صص ۲۰- ۸.
- ۲۴- همان.
- ۲۵- همان.
- ۲۶- کاخ جوانان، شم ۱، ۱۶ آذر ۱۳۴۷، صص ۱۱ و ۱۲.
- ۲۷- همان، س ۸، شم ۷ و ۸، ص ۱۲.
- ۲۸- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- ۲۹- گفتگو با یکی از مطلعان امور کاخ جوانان.
- ۳۰- کاخ جوانان، شم ۱، ۱۶ آذر ۱۳۴۷، صص ۲۵- ۲۰.
- ۳۱- همان، س ۷، شم ۴، بهمن ۱۳۵۱، ص ۳.
- ۳۲- همان، شم ۱۲، خرداد ۱۳۵۰، ص ۱۹.
- ۳۳- مطالعات ایران، همان، صص ۲۰- ۸.
- ۳۴- بایگانی کیهان، شم پرونده ۱۲- ۳، ۱۳۴۶/۶/۲۰.
- ۳۵- همان، شم پرونده ۱۲- ۳، ۱۳۴۵/۹/۱۳.
- ۳۶- کاخ جوانان، شم ۵ و ۶، اسفند ۱۳۵۱، ص ۱.
- ۳۷- بایگانی کیهان، شم پرونده ۱۲- ۳، ۱۳۴۷/۸/۲۶.
- ۳۸- کاخ جوانان، س ۸، شم ۷ و ۸، فروردین ۱۳۵۳، ص ۱۱.
- ۳۹- همان، س ۷، شم ۵ و ۶، اسفند ۱۳۵۱، صص ۱ و ۲.
- ۴۰- همان، شم ۱، س ۸، ۱۳۵۲، ص ۸.
- ۴۱- همان.
- ۴۲- همان، س ۹، شم ۵، ۱۳۵۳، ص ۳.
- ۴۳- همان، س ۷، شم ۴، بهمن ۱۳۵۱، صص ۳ و ۴.
- ۴۴- همان، س ۱۰، شم ۱۰، بهمن ۱۳۵۴، ص ۴.
- ۴۵- همان، س ۷، شم ۴، بهمن ۱۳۵۱، ص ۳.
- ۴۶- همان، صص ۵ و ۷.
- ۴۷- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

کاخ جوانان؛ از تأسیس تا انحلال

۴۸- همان.

۴۹- همان.

۵۰- آینه‌گان، ۵۷/۱۱/۱، ص ۲.

۵۱- بایگانی کیهان، ۵۷/۷/۱۰، پرونده ۱۳ - ۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی